

بزرگان اندیشه / ۵

منتسکیو

گردآوری و برگردان: علیرضا بهنام

منتسکیو. گردآوری و برگردان: علیرضا بهنام. لیتوگرافی: تندیس. چاپ: تندیس نقره‌ای. صحافی: گلپان

چاپ نخست ۱۳۸۷. شمارگان: ۱۵۰۰. قیمت: ۶۰۰۰ ریال. آماده‌سازی: نشر مشکی. تهران ۷۷۶-۷۴۷۲

ISBN 964-8765-23-5

شابک: ۹۶۴-۸۷۶۵-۲۳-۵

www.meshkipublication.com

info@meshkipublication.com

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

موش‌نامه: متسکو. شارل لویی دو سکونت ۱۶۸۹-۱۷۵۵م

Montesquieu, Charles Louis de second

مثنوی و نام پندآموز: سکوا / گردآوری و برگردش: علیرضا بهنام

مشخصات نشر: تهران: مشکی. ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۳۶ ص.

فرمت: موزگی گدینه: ۵

شابک: ۹۶۴-۸۷۶۵-۲۳-۵

۶۰۰۰ ریال

وصیت: فهرست نویسی: فیدا

موضوع: متسکو. شارل لویی دو سکونت ۱۶۸۹-۱۷۵۵م - کلمات فصاحت.

موضوع: فلسفه: فلسفی

تألیف: قزوینی: بهنام: علیرضا: ۱۳۵۲ - مترجم

ردمندی: کنگره: ۱۳۸۶ / ۲م ۲۰۶۲ / ۲۰۶۲

ردمندی: دیویتی: ۸۳۲/۵

تعداد: کتلتاناس: مئی: ۱۶۴۱۳۹

درآمد

شارل دو منتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵) در خانوادهای ثروتمند در شهر بردوی فرانسه زندگی می‌کرد و تا چهل سالگی به عنوان حقوق دان به کار مشغول بود. او که در طول فعالیت حرفه‌ای خود به سمت‌های دادستان و قاضی کل هم رسید در حدود چهل سالگی مشاغل رسمی خود را رها کرد تا به تحقیق و پژوهش در فلسفه مشغول شود. مهم‌ترین آثار او را در دو دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد. نخست مطالعاتی تاریخی با گرایش علمی که به روشی تجربی به رشته‌ی تحریر درآمده است و از آن جمله می‌توان به دو کتاب نامه‌های پارسی و تحقیق در علل پیشرفت و انحطاط رومیان اشاره کرد و دسته‌ی دوم مطالعاتی فلسفی درباره‌ی منشاء قانون و رابطه‌ی شهروندان با دولت که به نگارش کتاب روح القوانين منجر شد. منتسکیو بی‌تردید در فلسفه از پیروان جان لاک به شمار می‌رود. او اصول مهم فلسفه‌ی سیاسی لاک یعنی تکیه بر فضیلت فردی به عنوان منشاء قانون و رابطه‌ی فرد با دولت و هم‌چنین نظریه‌ی اصالت آزادی در چارچوب اجتماع و نفع عمومی را به عنوان مبانی نظریات خود

اختیار کرده و نظریه‌ی سیاسی خود را بر این اساس بنا می‌کند، البته او در زمان خود مخالفت‌هایی را از جانب کاتولیک‌های متعصب تجربه کرد و به تبلیغ برای آزاداندیشی و سکولاریزم متهم بود که زیرکانه با افزودن تکمله‌ای بر روح القوانین توانست عقاید خود را نزد مذهبیون متعصب توجیه کند.

از نظر منتسکیو قانون چیزی جز روابط ضروری بین چیزها نیست. او منشاء اصلی قانون را عقل انسان می‌داند که باید حاکم باشد. به این ترتیب به نظر او قانون هر قوم و کشوری بر مبنای کلیاتی بنا می‌شود که عقل به آن‌ها حکم می‌کند. او نظریه‌ی وضعی بودن کامل قانون را رد می‌کند و معتقد است مادام که یک قانون از دیدگاه عقل با وضع طبیعی بشر سازگار نباشد نمی‌توان آن را به عنوان قانون پذیرفت. از نظر منتسکیو روابط میان دولت و ملت باید به حکم قانون مشخص شود. او قانون را چیزی می‌داند که به واسطه‌ی آن آزادی همه محقق می‌شود. براین مبنا آزادی آن است که فرد در آن چه قانون منع نکرده مختار باشد و به دل خواه خود عمل کند و در عین حال به‌ترین قوانین زمانی حاصل می‌شوند که تا آن‌جا که مصلحت اجتماع به خطر نیافتد بیش‌ترین آزادی را به افراد اعطاء کند. منتسکیو به شدت به نسبی بودن قوانین معتقد است. او میان اصول قانون و جزئیات آن فرق قایل می‌شود و معتقد است اصول قانون بر مبنای احکام عقل شکل می‌گیرد و در همه‌جا یکسان است اما جزئیات قانون به نسبت جامعه‌ای که قانون برای آن

وضع می‌شود تغییر می‌کند. به این معنی که به اعتقاد او هر جامعه‌ای به اقتضای اوضاع تاریخی، مادی و معنوی خود به ضرورت‌های خاص خود می‌رسد که قوانین آن جامعه باید با در نظر گرفتن جمیع این شرایط و به گونه‌ای وضع شود که بیش‌ترین میزان آزادی و امنیت را برای افراد آن جامعه به ارمغان بیاورد. او نهایت سعادت را در این می‌داند که کاری کنیم فرمان‌دهندگان به وظیفه‌ی خود آگاه‌تر شوند و فرمان‌برندگان از فرمان بردن دل‌خوش باشند.

منتسکیو بر مبنای مشاهدات تاریخی حکومت را در دنیا بر سه نوع طبقه‌بندی می‌کند: جمهوری، پادشاهی و خودسرانه.

از نظر او جمهوری خود به دو زیر شاخه تقسیم می‌شود اگر همه‌ی مردم در حکومت دخیل باشند به آن دموکراسی می‌گویند و اگر گروهی از مردم تنها در حکومت دخالت داشته باشند آن حکومت اریستوکراسی نام می‌گیرد. از نظر منتسکیو بنیاد هر دو نوع جمهوری میهن‌دوستی است و بدون آن جمهوری به وجود نمی‌آید. شرط‌های دیگر تحقق جمهوری عبارتند از قانون‌خواهی و رعایت اصل برابری حقوق افراد در برابر قانون و احترام به حقوق فردی و این که حاکمان خیر عموم مردم را بر نفع شخصی خود برتری داده و برای انجام وظیفه حاضر به فداکاری و گذشتن از خواسته‌های شخصی خود باشند. او نمونه‌های صحیح جمهوری دموکراسی را در آتن قدیم و دولت‌های هلند و سوییس در زمان خود می‌داند و به عنوان نمونه‌ای درست از جمهوری اریستوکراسی

به دولت روم باستان اشاره می‌کند. از نظر منتسکیو به‌ترین نوع حکومت جمهوری است اما در عین حال آن را مناسب جاهایی می‌داند که در آن کشور وسعت کمی داشته باشد و جمعیت کمی در آن زندگی کنند.

حکومت پادشاهی از نظر او این است که یک فرد به عنوان پادشاه حاکم باشد و بر طبق قانون بر مردم حکومت کند. شرط دوم این نوع حکومت در این است که میان پادشاه و مردم طبقه‌ای واسطه‌ای باشند به نام اشراف که وظیفه‌ی آن‌ها رساندن اوامر پادشاه به مردم و نمایاندن نیازهای مردم به پادشاه باشد. به این ترتیب از نظر منتسکیو در یک پادشاهی بنیاد حکومت بر شرافت، غیرت و آبرومندی طبقه‌ی اشراف است. او به عنوان مثال درست از یک حکومت پادشاهی به حکومت پادشاهی انگلیس در زمان خود اشاره می‌کند. از نگاه منتسکیو فضیلت در یک حکومت پادشاهی اصلی ضروری نیست.

سومین نوع حکومتی که منتسکیو در نظر گرفته است و از نظر او پست‌ترین نوع حکومت هم هست حکومت دل‌خواهی یا خودسرانه است. در این نوع حکومت در روابط میان دولت و ملت هیچ حساب و کتاب و قیدوبندی وجود ندارد و حاکم هر طور که هوس کند حکومت می‌کند و مردم چاره‌ای ندارند جز این که تابع هوس‌های حاکم باشند. در چنین حکومتی کارها فقط با زور پیش می‌رود و بنیاد این حکومت نیز بر ترس است. منتسکیو مثال درست این نوع حکومت را به آن چه در میان اقوام وحشی جریان دارد منسوب می‌کند.